



سالیانه
۲۵۰ ریال
۱۴۰
برای کارگران و کشاورزان و مسکین
و کارمندان جرموادری سدیست تخفیف
منظور میگردد

بهای آسمینها یادفهر اداره است

جای اداره:
(خیابان لاله‌زار - بازار بهار)

آزیر روزهای بکشنه - سه شنبه پنجمین منشر میشود
این روزنامه عضو جبهه آزادی است

تبریز یان چه میگویند

و چه میخواهند

نهیضت ضد ارتجاعی آذربایجان روز به روز وسیعتر میشود. افق دومین سیاحتت ایران را ابرهای تاریک و ظلمانی فرا گرفته است. بعضی از نمایندگان قلابی تبریز ذهن مرکز را مشوب کرده میخواهند با کوچک جلوه دادن احساسات مردم تبریز خیانت خود را تا آخر تعقیب بکنند ما برده تیزویر این خائنین را بزودی پاره کرده خیانتهای پی در پی آنها را برای اشخاصی که به نام و شهرت و حیثیت آذربایجان علاقه دارند شرح خواهیم داد.

مارسیدگی موضوع قتل و گشتار کارگران تبریز را هم با فشاری خواستاریم باید هر چه زودتر تمسبیین این جنایت خونین معلوم گردیده بستخت ترین کیفر فجایع خود بر سند.

تبریز از حق مشرور خود صرف نظر نیکند. کشتار و قتل و غارت روح توانای آذربایگاهی اورا تیراند دوم شکند. آذربایجانی احساس کرده است که دستهای خونی مردمی داره با سرافوت اوزاری میکنند آذربایجانی نموده است که زیر سایه تیرکامهای پراسا بم تپهان گرفته است. علاوه بر تلنگرات ای حد و فشاری که در عرض چند روز اخیر به مجلس شورای ملی و مطبوعات خارجه شده است ملامتی که در بهترین روزنامه های تبریز چاپ میشود ثابت میکند که شهر تبریز اقدامات مجاس خود را با آنکه برای شهادت ان احساسات جوانان تبریز قسمتی از سرفعاله قاور و تیراکی میسر است. این برای نمایندگان آذربای برای منشر میگردد در اینجا چاپ کرده قنوت و پیغمه خوانندگان میگذازم.

مجلس و پیشه وری

خاور و بی از شرح مسأله که در اطراف شخصیت آذری شرمزاده است. و اظهار نامه مسعبدالین میونیه بدیده اداره مقاله برار حرارت احساسات و منطق خود را با جلات زیر تمام میکنند.
تبریز شرف آزادی است و هنوز هم این افتخار را دارد که در دوران نهضت مشروطیت مامور در برابر ارتدو میساده مقاومت کرده و سرانجام قنای آورده است. مشروطه و پارلمان را بدست ملت ایران سپرده ما افعالی تبریز بدست بیست سال بلکه بیشتر از انتصابات آزادم مردم بودیم و قنای انتصاب دوره ۱۶ شروع شد مردم تبریز تصمیم گرفتند کسانی را بجای برسانند که قاضیه نام بانی در صفاست

نقلم کریم کشاورز

جزیره آزادی

در خیابان فردوسی
بفاسمیت جمن. شروطیت در کلوب توده

صد چه گذشته که برای سعادتی
مردم ایران میزدید. در قله
از خیابان فردوسی روح منگراسی
چولان میداد. بیرونی خود انسانی
میکرد. آنجا ملت ایران میگفت:
سی و نه سال پیش بدست آوردید ازین
و نه است هر وقت آزاریا کردید آن
وقت حق دارید چنین نگریه
ای مجلسی هر شروطی سوله
است. بدیننوال شن سید اوهین
سال مشروطیت ایران بر سر صدا و
گمال سردی و خشکی خانه بات.

بیم ایلیانوردک
خجه ایشاره قبل
ترجه ک

صلاح است

انسانی که در جنگ است ملامت نوردیکی
روین پیدا میکند. گومی سدی سو
عظما را میفرود. آن اختیار خاطرات
گذشته از نظرش میگردد. آن خاطرات
و احمیتت رو سوسخت تر میکند و باهمه
بمنشاه مردم کشور خود میبندد میبندد
که سندان در آفران اذهان ایجادش بیرون
جست. همانظوری که کافکا از دوره
گذشته بیرون میزند. در ره و در
ملی به کیفیت حیثی وجود دارد این
حقیقت باخون نوشته شده. و اینجا ربه
هر درختی دیده میشود و ما اینخواهیم
فاطکه صاف کنند باقیم و بجاها را ازین
بریم. و در اینجا اینکه از عظمت منشاه
ملی سخن میگویی فراموش نکنیم که
همان سخن ملی سارا و وظائف میزاد که
و سست نظر بین المللی داشته باشیم.
از یاد نماند که از یاد بزرگ روسی را
هر که ننگ نظری انحصاسی برآورده
و اجازت بیرون گرفته و برای جها بانه زنگی
میکرد است.

امان و میباید که ندهد. اشریت و خود
سحاری نکتیه بر خود را میبندد. کریم
ما نه از آن صفتی را میبندد. کریم
بلکه وقایع مشروطه در آن را درک و
گویی زده کی کردیم. و اینگونه که
میوی ایصنات با یرون را میبندد. اذات
بیاد بیاییم. و نوزگوسفرا که از کتاب
های یوزورال جدا میشدند از نظر نعیم
ما دو ادبیات اروپایی بییر تازه داخل
کردیم. و چیزی که از آن خودمان نگرد
نه هوگو بود و بگنکن بود و باهتر هرگز
آن بود. و سست نظر بشری و جنبه عایشی
کولسوی و دانستاری و جیوف
رسیده دست نیافتند.
مادرسال ۱۸۶۷ بدینا یوس
از خود گذشتگی دیدیم و بگریح فرین
در استالینکرا آندوسرا تبار کریم
ما بر گزینن کشور خود خشم دیدیم. زیرا
بده آل های ما بده تمام جاسه بشری
است. و اظهار نامه سونگن است و که بهترین
سن ادبیات روس و تلنگر خودی که
حفظ کنیم.

دو یکی از اجسامت نوسندگان بیستی
مطرح شد. باین معنی که آیا معلوم هر فرد
ای مثل شملت مشروطیت میباید و یا
اینکه منزلت بیستی شامل مردم خود
میلی است. بیت هیئت است. مشروطیت
میباید ما علاوه بر کشتن س نوحش
بشریت وابسته است. ما این سخنان را
که در آن کله غرور انگیز است
بیاد داریم.
این سخنان درباره انسانهای تمام
ملل گفته شده است و آنرا بکنار روسی
بزیان آورده
ما باید در روح هر فرد آ چیزی را
ایجاد کنیم که در روح دولت ایجاد گفته
است. و رحمت در نوع. و انبوه افروخته
خود نمودن بزرگی است. منشاه فرشته
های ملی روسیه و تلنگر کشتن س نوحش
و تاجیکها و متفانت است.
سبک حساسه و غریبانی از مودر و
ولی هر دو سبک ادبیات ما را غنی کرده
هزارانی و او گریها و سستی قبل و
کن و بیلین ازونک که در حرارت اوزمنتان
را بیاد جیوم. سه نه اینها از مانتان
تپنا این است. ما به خاور و باختر
نگریم. ما این دورا منهد میگنیم. این
انسان ساد نیست. سده بلنه سرفک
نوی از این انتقاد برخاسته است. شجری
شوری ایلیانوردک و سستین و سستین
و باشتارک دو نوس اوزگیت و سستین و سستین
بزرگی بازی سکرده اند. سستین و سستین
بانی جوهله

آرتش ملی یوگوسلاوی آزاد در سنجاک به موفقیت های بزرگی نائل آمده و کمالا ناحیه اشتری پولیه به دستگزاران آزادی خود درین ناحیه و بشکرتو از زرعدون دشمن پاک و بیخطر از ارتباطی دشمن را بین سنجاک ریستی قطع نموده است .
 این منطقه درین بین دروه سرناویستی باختری دشمن گردیده .
 واحد های یوگوسلاوی آزاد کمالا ناحیه جنوب کلین که جایگاه واحدهای جنگی کمانچرین منصرف گردیده اند .
 صرف این جایگاه موجب آن خواهد گردید که موفقیت هستی نتاج ملی آرتش یوگوسلاوی نوسه کامل یابد .
 این موضوع بی جایب توجه است که با بدی های دشمن بدون بیزان آسپین میسرند .

فراغاب یادگان هاسراباز انبالیانی که جیرا وزیر بریم خواهد شده بود تسلیم شده و با آنها خوددوش بوش واحد های یوگوسلاوی آزاد بر علیه دشمن تیردی نشاندند . در روزهای اخیر برید برای حفظ محصورین بر علیه غارتگران ناشیستی و دست نشانده های آنان در یوگوسلاوی و پشت نهادت محصورین بود که معطوف خود را درهای بشماردی درک دادند و روستایان جوان که متعزول گردیدند بوی بیسازان آرتش نجات ملی گنک موتزی برده اند .

اخبار کورگان

شهرکیرا انکتین اطلاع میدهد که هواپیمای های متعلق که فرودگهان در اطالیاست سله سختی بخطرآمن در درون و پایگاه زیر دریایی تولون نلودند .

 اعلامیه زرنال یووفرمانده کل آوتش همراهه لپسان میگردید که هواپیمای آلان بوسه مین برهاتر ووشو را سازمان میکند . نام شرفه بی یاره کی از پیشه های مرکز و باختر شهر محاصره ساخته اند و بانک در دست مین برستان می باشد .

زرنال سوسن کوسکی فرمانده کل یوهای لپسان که با زده و زدن با تالی بود و بیروهای لپسان را از دید نودهدات روز شنبه هواپیمای بلند با گذشت .

آگهی حصر وراثت

تاریخ ۱۳۳۳٫۱۲٫۲۳ - بانو هلت دانش بنشنامه شماره ۸۹۵۷ طبق تقاضا نامه شماره ۲۳ ساله ۱۳۳۳٫۱۲٫۲۳ بااستناد بکبرک گروهای نامه دروونوش هشتانامه قضائی شماره ۱۳۳۳٫۱۲٫۲۳ بانو هلت دانش بنشنامه شماره ۸۹۵۷ در تاریخ سی ام مردادماه ۱۳۲۲ در بران جایگاه هیئتگی خودفوت و پین الفوت ورثه منوفی منصرف بیکه شش نام هلت دانش بنشنامه و کنگفر نام بنام بانو فاطمه دانش غیر از دو نفر نامبرده ورثه دیگری ندارد پس از مشاهده گروهای گروهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی یک بار در مجله رسمی وزارت دادگستری و یکی از روزنامه های مرکز اطلاع می رسانند سه مرتبه کسب بنقضای مزبور اعتراضی دارد ودرطرف مدت مزبور تقسیم و الا پس از اکتفا مزبور مرده گروهای نامه صادر خواهد شد و نیز اگر کسی وصیت نامه از متوفی دارد در ظرف مدت مزبور ایراز و الا هر وصیت نامه غیر ازوسی رسمی باشد از درجه اعتبار ساقط خواهد بود .
 ش ۲۲۴
 نوبت سوم بتاريخ ۱۳۳۳٫۱۲٫۲۳
 رئیس کل دادگاههای بخش تهران علی اکبر امامی امری

آگهی حصر وراثت

تاریخ ۱۳۳۳٫۱۲٫۲۳ - آقای محمد علی سلطانی قاسمی بنشنامه شماره ۳۲۵ بااستناد بکبرک گروهای نامه وروونوش هشتانامه قضائی شماره ۱۳۳۳٫۱۲٫۲۳ ۱۳۲۱ داده باینکه محمدجعفر سلطانی قاسمی دارنده هشتانامه شماره ۹۸۱۲ در تاریخ ۱۳۱۹٫۱۲٫۲۳ در طهران جایگاه هیئتگی خودفوت و حین الفوت ورثه منوفی منصرف بیکه شش نام بانو حیده (سلطانی قاسمی) و سه نفر دختر بنام بانو زهرا ملقب بطلات ودرتیمه مریم ملقب بعفت و بانو بی سمان خانم و دو نفر پسر بنام آفتابان احمدعلی سلطانی قاسمی و علی محمدسلطانی قاسمی منقضای غیر از شش نفر نامبرده ورثه دیگری ندارد لذا مراتب سه نوبت متوالی ماهی یکبار آگهی میشود ماگذشت مدت سه ماه از تاریخ شش اولین آگهی و چون منترش برحسب تقاضا اقدام خواهدشد و نیز اگر کسی وصیت نامه ازمتوفی دارد در ظرف مدت مزبور ایراز و الا هر وصیت نامه غیر ازوسی رسمی باشد از درجه اعتبار ساقط خواهد بود .
 ش ۲۳۴
 نوبت دوم بتاريخ ۱۳۳۳٫۱۲٫۲۳
 رئیس کل دادگاههای بخش طهران علی اکبر امامی امری

آگهی حصر وراثت

تاریخ ۱۳۳۳٫۱۲٫۲۳ - آقای فلاحتین بلوای بنشنامه شماره ۱۵۴ بااستناد بکبرک گروهای نامه وروونوش هشتانامه قضائی شماره ۱۳۳۳٫۱۲٫۲۳ ۱۳۲۲ داده باینکه محمد قاسم بلوای دارنده هشتانامه شماره ۷۸ در تاریخ ۲۲ می ماه ۱۳۲۲ تهران جایگاه هیئتگی خود فوت و حین الفوت ورثه منوفی منصرف به دو نفر پسر بنام آگهی فلاحتین بلوای و آقای فلاحتین بلوای به هشتانامه شماره ۷۸ و دو نفر دختر بنام ابرارون کوک سلطان و حاجز و خواندن بلوای و یکمیل دانی نام بانو عزت غیر از سه نفر نامبرده ورثه دیگری ندارد پس از مشاهده گروهای گروهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی یکبار آگهی میشود با گذشت مدت سه ماه از تاریخ شش اولین آگهی و چون منترش برحسب تقاضا اقدام خواهدشد و نیز اگر کسی وصیت نامه ازمتوفی دارد در ظرف مدت مزبور ایراز و الا هر وصیت نامه غیر ازوسی رسمی باشد از درجه اعتبار ساقط خواهد بود .
 نوبت سوم بتاريخ ۱۳۳۳٫۱۲٫۲۳
 ش ۲۳۵
 رئیس کل دادگاههای بخش تهران علی اکبر امامی امری

آگهی

تاریخ ۱۳۳۳٫۱۲٫۲۳ بانو فاطمه شیرازی دارای هشتانامه شماره ۹۲ فرزند محمد ساجد توتوبیک از زراهران بنشنامه شماره یک برک گروهای نامه گروهان وروونوش هشتانامه خودیشماره ۳۳۵۹۲ توضیح گروهای وراثت راخواهستار شده - حیدرین علی دارای هشتانامه ۳۳۹۹ که جایگاه هیئتگی اودوتوبیک بوده و در سال ۱۳۲۲ خودیشماره فوت درهوسورات بالااصحار شش فاطمه شیرازی (منقضای) که دختر خاله منوفی است بنشنامه سی اس اس اتساع ایانات گروهان مراتب را در مدت سه ماه بی دو (ماهی یکبار) در مجله رسمی و یکی از روزنامه های چاپ تهران آگهی می نماید چنانچه بخواهد درموضوع مزبور اعلام خواهد شد و با وصیت نامه از متوفی نزد کسی موجود و تا کنون ایراز و اذیتان بنشنامه است از تاریخ شش نخستین آگهی در مدت مزبور باقی نماند و تقدیم و تسلیم دارد و با گذشت مدت سه ماه از تاریخ شش اولین آگهی و چون منترش برحسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیت نامه رسمی و سری باشد از درجه اعتبار ساقط خواهد بود .
 نوبت سوم بتاريخ ۱۳۳۳٫۱۲٫۲۳
 ش ۲۳۵
 رئیس کل دادگاه بخش ورامین - جعفر سعید

آگهی حصر وراثت

تاریخ ۱۳۳۳٫۱۲٫۲۳ بانو زاری خانم سوادیه امامانی بنشنامه شماره ۱۳۵۹۸ بااستناد بکبرک گروهای نامه وروونوش هشتانامه دادخواست شماره ۲۶۸۱۲۲۳ داده باین که عباس مصطفی امامانی دارنده هشتانامه شماره ۳۵۷۸ تهران جایگاه هیئتگی خود فوت و حین الفوت ورثه منوفی منصرف به یک دیوانه دانی بنام بانو زاری خانم منقضای و دو نفر پسر بنام حسین بنشنامه شماره ۹۸ و محمد علی بنشنامه شماره ۹۷ و سه نفر دختر بنام بانو انار املی و زینب بنشنامه شماره ۳۱۵۷۸ فاطمه بنشنامه شماره ۱۷۳۸ و منور غیر از ۶ نفر نامبرده ورثه دیگری ندارد پس از مشاهده گروهای گروهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی یک بار آگهی میشود با گذشت مدت سه ماه از تاریخ شش اولین آگهی و چون منترش برحسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیت نامه از متوفی دارد در ظرف مدت مزبور ایراز و الا هر وصیت نامه غیر ازوسی رسمی باشد از درجه اعتبار ساقط خواهد بود .
 نوبت اول بتاريخ ۱۳۳۳٫۱۲٫۲۳
 ش ۲۳۸
 رئیس کل دادگاههای بخش تهران علی اکبر امامی امری

آگهی حصر وراثت

تاریخ ۱۳۳۳٫۱۲٫۲۳ آقای مصطفی کرمانی عبدالله بنشنامه شماره ۱۳۸۷ با استناد بکبرک گروهای نامه وروونوش هشتانامه دادخواست شماره ۱۳۸۷۲۲۳ داده باینکه وایله رسولی عراقی فرزند اسکندر دو تاریخ ۱۳۱۵٫۱۲٫۲۳ در تهران جایگاه هیئتگی خود فوت و حین الفوت ورثه منوفی منصرف به دو نفر پسر بنام مصطفی کرمانی عبدالله منقضای و مرتضی رسولی عراقی بنشنامه شماره ۵۶۹۸ غیر از دو نفر نامبرده ورثه دیگری ندارد پس از مشاهده گروهای گروهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی یکبار آگهی میشود با گذشت مدت سه ماه از تاریخ شش اولین آگهی و چون منترش برحسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیت نامه از متوفی دارد در ظرف مدت مزبور ایراز و الا هر وصیت نامه غیر ازوسی رسمی باشد از درجه اعتبار ساقط خواهد بود .
 نوبت سوم بتاريخ ۱۳۳۳٫۱۲٫۲۳
 ش ۲۳۷
 رئیس کل دادگاه بخش تهران احمد زین سل

نگارش : (۹) ترجمه :

آ. پ. چخوف

کرم کشاورز

موزیک ها

هنکامیک اوسیب با کتاچه بعضی عواضش وارد کلبه کدخدا شد مامور استیبه که بپرورد لافر اندامی بود و زاهدانه بازش بیرون و چون گدایی مژین گفته و نیم تنه خاکستری بداشت در مریز در روز و زانو به مقدم کلبه نشسته و چیزی با داشت میگرد کلبه تیر بود و بنام دیوارها مکتوباتی که از روزنامه ها و مجلات کلبه شده بود و الاصل کتب و پهلوه . شهاب نظری مریم دومی که بپرورد مرید کلبه با باینترک شماره شده سابق حضور آذربایجان بود آتیب سید لیکوف کدخداهی دستهارا صلبر وار بروی کدخداه و پولی بی ریستاده بود .
 وقتی نوبت به اوسیب رسید کدخدا گفت : « مراد ایشان ۱۸۰۰۰ ریال فروخته بیتر از هیه بله پول بر داشت و از آتوت یک کرم کم ندادند است »
 مارو سر را بلند نظری به اوسیب کرد و گفت : « برادر چیرا آتوتور ؟ »
 اوسیب خود را که کرده و گفت : « یعنی خدا نمی رسد کار اجازه بر میده هر کس کرم خشکمال است . اگر بدان قسم می انصاف است . میگوید - اوسیب بخواهه اعروش - باله بفروش آخر آزما شد بر برای فروش دادنم - زنا غرودش کلبه تیر کتاو ۳۰۰ ریال بیرون گدشت بریادی خودم به ده از کدخدا کشت کرد و گاهی هم وری به روستایان دیگر میگرد کوشی ایشان و با سه شرات میطلبند .
 صورتش قرمز شد و هر کس کرد و چشاش تیز و خندانک نظر برامه مارو گفت : « من بیچاره ام چیرا تو این چیزها میگوئی من

انزو میرسم - من فوس ازانو میرسم چیرا عواضش عقب افتاده او تیریدای . شاهه هم این طور به - عقب افتاده هارا نمی درازدی و من بیاد جواب بگویم »
 اوسیب گفت : « فوره نمازمین »
 کدخدا گفت : « قربان این حرفها می اثر است . اوسیب چیکباید و واقعا از طبقه نماز است و ای او بگرگن هلت بر میبدهش هر کس و بلانگوش - هیچ چیز نمیباشد .
 مارو چیزی با داشت کرد و با این دوزون و آدمای کرمی اس طلب می کنند - او اوسیب گفت : « ده برو کم شو »
 مارو هم بزودی از آنجا رفت - وقتی نوبت در کلبه کدخدا جابجاشد و سوره فرد و بره اندامش ایستکل شد دراز و لافرش هم پیدا بود که دیگر به اوسیب پادشاه است کم کدخدا نه لا سوری های کدخداه و ز کوف و فقط دوباره آموری که مربوط بهفوت است فکر میکند .
 و در مامورینت به ورست ازده فرد شده بود و آتیب سه - لیکوف کدخداهی دکستان و از آن کلبه اوسیب در بود و مارو شوهر جیح زانو بر پا کرد اوزدایشان روانه بود میگفت : « بیبهم بیبهم - مرده توورت بیرد حیوان لنتی ؟ »
 کدخدا بسرعت و با گامهای پولی راه میرفت و مارو هم در شان و اتان و خیزان - خشمناک و فوری می بودست . دستمال سرش بر روی شانه افتاد - مرهای میخارا که نیم رنگ بزی بود گرتنه بود یاد برشانه میگرد - متنازلیها با گروگان توفت کرد و مانند کلبه های واقعی بناگردد - بنه گوتش و فریاد زد صدا را مرحله طبع بلندی میگرد و لاشش بیخانه وزش شیده بود .
 ای کسایچه بعدا ایجان دادند - امرای نهاده اند : « مرا آذیت کردی نه ؟ بنامه دهید - مبالغ کنید - کدخدا با لحن سختی گفت - دنگه - رنگ - مبالغ کنید »
 کلبه چیکباید بی ساوول بکنی هم آفر گشت .
 مارو میرفت از

